

# متهم ردیف اول مسمومیت‌ها هنوز مفقود است

## از گاز و آمونیاک گرفته تا تلگرام و منافقین؛ همه متهمان ردیف چندم پرونده گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان هستند

فاطمه کریم‌خان

از نهم آذر ماه سال گذشته تا امروز، در کنار افزایش روزانه شمار دانش‌آموزانی که با گزارش مسمومیت به بیمارستان رفته‌اند، در کنار افزایش شمار مدارس و شهرهای درگیر، اظهارات مقامات مسوول و غیرمسوول، در کنار اضافه شدن شمار نهادهای اطلاعاتی که اعلام کردند موضوع را بررسی می‌کنند؛ تئوری‌های مختلفی هم در توضیح اینکه در مدارس چه خبر است، اینجا و آنجا شنیده شده است.

بیش از 1300 دانش‌آموز و اولیای مدارس تاکنون با گزارش مسمومیت راهی بیمارستان شده‌اند، اما هنوز حتی يك گزارش آسیب‌شناسی رسمی، يك گزارش نمونه‌برداری از مدارس توسط پدافند غیرعامل یا حتی يك گزارش رسمی از کمیته‌های متعددی که مسوول بررسی مساله شده‌اند، منتشر نشده است. در چنین شرایطی، مسوولان و مردم، با ربط و بی‌ربط مشغول تحلیل و ارائه توضیحات مختلف در مورد آنچه می‌تواند رخ داده باشد، هستند.

### مسمومیت ناشی از مصرف؟

یکی از اولین توضیحاتی که در مورد مسمومیت دانش‌آموزان منتشر شد، ادعای مصرف مخدر یا کشیدن گل در مدارس بود. در هفته‌های اول انتشار گزارش‌های مسمومیت، به خصوص با در نظر گرفتن اینکه اسامی برخی مدارس در گزارش‌های مسمومیت تکرار می‌شد و مدارسی که گزارش مسمومیت از آنها منتشر شده بود نزدیک به هم بودند، برخی کانال‌های خبری در قم به نقل از منابع آگاه و غیرآگاه، دانش‌آموزان را متهم

کردند علایمی که گزارش کرده‌اند به دلیل مصرف مواد مخدر یا کشیدن گل و سیگار بوده است. با در نظر گرفتن اینکه طبق اعلام دانشگاه علوم پزشکی قم، از دانش‌آموزانی که با شکایت مسمومیت به بیمارستان‌های مختلف منتقل شده بودند، آزمایش‌های کاملی گرفته شده است، ظن ارتباط بروز علایم مسمومیت با مصرف گل یا مخدرهای دیگر به سرعت رد شد. بعداً در مدارس دیگری در شهرستان‌های دیگر، عده دیگری از مسوولان هم این ادعا را مطرح کردند که ممکن است دانش‌آموزان به دلیل مصرف ماده خاصی دچار علایم مسمومیت شده باشند. هیچ آزمایشی که چنین ادعایی را تایید کند از سوی مقامات بهداشتی در هیچ‌کدام از شهرهای درگیر مساله مسمومیت دانش‌آموزان منتشر نشده است.

### **نشت گاز، آمونیاک، لوله‌ها و سیستم‌ها**

گزارش‌های مسمومیت همزمان با شدت گرفتن سرمای هوا در ماه آخر پاییز آغاز شده است. همین موضوع باعث شد به خصوص در گزارش‌های اولیه، گمانه‌زنی‌هایی در مورد احتمال تاثیر انتشار گاز منوکسیدکربن از سیستم‌های گرمایشی مدارس در بروز علایم مسمومیت دانش‌آموزان مطرح شود. در هفته‌های اول انتشار گزارش‌های مسمومیت، آتش‌نشانی قم هم اعلام کرد که در برخی مدارس که گزارش مسمومیت داده بودند، ردی از نشت گاز منوکسیدکربن دیده شده است. این موضوع نمی‌توانست تمام گزارش‌های مسمومیت را توضیح دهد. بسیاری از مدارس که گزارش مسمومیت داده بودند، سیستم گرمایشی که منوکسیدکربن تولید کند، نداشتند. با فرض اینکه برخی گزارش‌های مسمومیت ناشی از انتشار منوکسیدکربن بوده باشد، آتش‌نشانی در قم و بعداً در استان‌ها و شهرهای دیگر گزارش‌های مشابهی از انتشار این گاز در مدارس منتشر نکرده است.

گمانه‌زنی‌هایی دیگری در مورد انتشار آمونیاک و ربط آن به بروز علایم مسمومیت هم در هفته‌های اول وجود داشت که توسط علوم پزشکی شهر قم رد شده و در شهرهای دیگر نیز تکرار نشده است.

### **زن عجیب، مرد غریب، آب آلوده و کوادکوپتر مسلح**

در قم و بعداً در برخی دیگر از شهرهایی که گزارش‌هایی از مسمومیت داشتند، حرف‌هایی در مورد «حضور عامل انسانی» منتشر شده است. در يك نمونه، پدر يك دانش‌آموز از دانش‌آموزانی که در قم با علایم مسمومیت به بیمارستان فرستاده شده‌اند، تعریف کرد که دانش‌آموزان ساعتی قبل از بروز علایم مسمومیت، زنی را دیده‌اند که وارد مدرسه شده و چیزی را در منبع آب مدرسه حل کرده است. در گزارش دیگری از يك مدرسه در اسلام‌شهر، شاهدان به رسانه‌ها گفتند

«چند نفر» که پوشش آنها جنسیتشان را پنهان کرده بود، وارد حیاط مدرسه شده‌اند و سرایدار را کتک زده‌اند و يك «گاز» (کپسول حاوی گاز) در مدرسه انداخته و فرار کرده‌اند.

نیروی انتظامی بعداً توضیح داد که تمامی فیلم‌های موجود مربوط به مدارسی که در آنها گزارش مسمومیت اعلام شده را بررسی کرده اما اثری از ورود و خروج‌های مشکوک به مدارس پیدا نکرده است. در يك نمونه دیگر يك کاربر در توییتر ادعا کرد که حمله به مدرسه فرزندش با کوادکوپتر انجام شده است، او نوشته بود که بچه‌ها دیده‌اند که يك شيء پرنده بالای مدرسه پرواز کرده و يك «گاز» را به حیاط مدرسه انداخته است.

از آنجا که در تمام گزارش‌ها به «مسمومیت تنفسی» اشاره شده، بعید است ادعا در مورد آلوده شدن آب مدرسه دقیق و درست باشد، در جاهایی که اشاره به «انداختن گاز در مدرسه» شده است هم پوک‌های از کپسول حاوی گاز کشف نشده یا لااقل گزارشی در مورد کشف چنین پوک‌های منتشر نشده است.

از آنجا که در قریب به اتفاق گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان، احساس مسمومیت از داخل کلاس‌ها شروع شده است، احتمال «انداختن گاز به حیاط مدرسه» بسیار دور از نظر است. حتی اگر موضوع لزوم پیدا شدن پوک‌های حاوی ماده مسموم‌کننده را هم نادیده بگیریم، برای مسموم کردن دانش‌آموزان در فضای باز، به مقدار قابل توجهی ماده موثر نیاز است که احتمالاً باید رد قابل مشاهده‌ای از آن روی خاک یا دیوارهای حیاط مدرسه باقی بماند، چنین نمونه‌هایی یا پیدا نشده، یا گزارشی در مورد پیدا شدن آنها منتشر نشده است.

بمب بدبو و شیطنت دانش‌آموزان، تئوری مورد علاقه نیروی انتظامی فرضیه استفاده از بمب بدبو، اولین بار در قم منتشر شده است. دانش‌آموزان متهم شدند که قصد داشتند با «شیطنت» و بمب بدبو کلاس‌ها را تعطیل یا وانمود کنند که مدرسه آنها هم درگیر مسمومیت شده است. بمب بدبو به عنوان متهم اصلی بروز مسمومیت‌های تنفسی در دانش‌آموزان بعدها توسط صدا و سیما و بارها توسط پلیس مورد اشاره قرار گرفته است. در مواردی پلیس گزارش داده است که دانش‌آموزان را به دلیل خرید یا همراه داشتن بمب بدبو احضار کرده و به آنها تذکر داده است. گزارش‌هایی از ممنوع شدن خرید و فروش بمب بدبو، ممنوع شدن واردات بمب بدبو، کشف و ضبط انبارهای بمب بدبو و بازداشت فروشندگان بمب بدبو هم منتشر شده است.

بمب بدبو، يك وسیله شناخته‌شده شوخی و مردم‌آزاري است که ویدیوهای زیادی از استفاده از آن وجود دارد و به نام بادکنک بدبو هم شناخته می‌شود. بمب بدبو، هرچند بیشتر به عنوان يك وسیله شوخی

شناخته می‌شود، کاربرد دوگانه دارد. گزارش‌هایی از استفاده نظامی و همین‌طور استفاده از آن برای کنترل شورش‌های خیابانی وجود دارد. بمب‌های بدبویی که می‌توان آنها را از بازار خرید، معمولاً یا در شیشه‌های نازکی هستند که می‌توان آنها را زیر پا خرد کرد یا در بسته‌بندی‌های کیسه‌ای پلاستیکی فروخته می‌شوند. بمب‌های بدبو نسبتاً بی‌ضرر از مخلوطی از سولفید آمونیوم، سرکه و بی‌کربنات تشکیل شده‌اند که بوی شدید تخم‌مرغ‌های گندیده تولید می‌کنند، هنگامی که در معرض هوا قرار می‌گیرند، سولفید آمونیوم با رطوبت واکنش می‌دهد، هیدرولیز می‌شود و مخلوطی از سولفید هیدروژن (بوی تخم‌مرغ فاسد) و آمونیاک آزاد می‌شود. مخلوط دیگر شامل سولفید هیدروژن و آمونیاک است که مستقیماً با هم مخلوط شده‌اند. بمب‌هایی که در بسته‌بندی پلاستیکی فروخته می‌شوند، شامل دو کیسه هستند که یکی کوچک‌تر و داخل دیگری است. کیسه داخلی حاوی مایع و کیسه بیرونی حاوی پودر است. هنگامی که قسمت داخلی با فشار دادن آن پاره می‌شود، مایع با پودر واکنش می‌دهد و سولفید هیدروژن تولید می‌کند که منبسط می‌شود. در نتیجه این انبساط کیسه بیرونی می‌ترکد و بوی نامطبوعی آزاد می‌کند. متیل مرکاپتان و اتیل مرکاپتان هم هستند که می‌توانند بوی بد تولید کنند و از آنها هم در تولید بمب‌های بدبو استفاده می‌شود. ترکیب‌های آلی گوگردی و غیرگوگردی مانند متان‌تیول، اتان‌تیول، پروپان‌تیول، سولفید آمونیوم، اسید پروپیونیک، اسید والریک و همین‌طور موادی مانند تری‌اتیل‌آمین، اتانول آمین، پوترسین و کاداورین می‌توانند در ترکیب بمب‌های بدبو به کار بروند.

بمب‌های بدبو علاوه بر مسمومیت ایجاد نمی‌کنند و مشخصه مهم آنها «بوی ناخوشایند شدید» است که تولید می‌کنند. با وجود اینکه در بسیاری از گزارش‌هایی که صدا و سیما و پلیس منتشر کرده، این بمب‌ها متهم اصلی هستند، شواهدی از استفاده از این بمب‌ها در مدارس، مثلاً تصویری از کیسه خالی بمب یا شیشه خردشده حاوی ماده موثر بدبو، تاکنون منتشر نشده است. علاوه بر این باید به خاطر داشت که در بسیاری از گزارش‌های مسمومیت اثری از استشمام «بو» وجود نداشته است.

### لاستیک سوخته در صف متهمان

در چند مورد از گزارش‌های مسمومیت، به وجود لاستیک سوخته در اطراف مدارس اشاره شده است. لاستیک سوخته دود سیاه قابل ملاحظه‌ای تولید می‌کند که تشخیص آن سخت نیست، اما گزارشی از ایجاد مسمومیت مانند گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان در نتیجه سوختن لاستیک منتشر نشده است. بسیاری از مدارس که گزارش مسمومیت داده‌اند در

خیابان‌های مرکزی شهرها هستند و لاستیک سوخته‌ای هم اطراف آنها وجود نداشته است.

به نیتروژن، دومین گاز تشکیل‌دهنده هوا هم دستبند زدند! اواسط اسفند ماه، رییس کمیسیون آموزش مجلس اعلام کرد که مقصر مسمومیت دانش‌آموزان، گاز نیتروژن است. نیتروژن بعد از اکسیژن مهم‌ترین ترکیب هوایی است که تنفس می‌کنیم، اما در صورتی که مقدار قابل ملاحظه‌ای از آن در هوا پخش شود، می‌تواند علایم مسمومیت ایجاد کند. نیتروژن بو ندارد، بنابراین می‌تواند در مورد برخی از گزارش‌های مسمومیت که در آنها به استشمام بو اشاره نشده، مظنون اصلی باشد. مشکل فقط این است که آن مقدار نیتروژنی که بتواند یک کلاس یا یک مدرسه را آلوده کند، باید حتماً توسط سیلندر نیتروژن به فضای بسته برده شود. باز کردن سیلندر و پخش کردن آن در هوا هم کار هر کسی نیست چون هوای ذخیره‌شده در سیلندر تحت فشار است، در صورتی که توسط افراد غیر حرفه‌ای باز شود ممکن است از دست در برود و موجب تخریب فضا شود. مقدار نیتروژنی که بتوان با آن یک کلاس را آلوده کرد، باید در سیلندر و با ماشین به مدرسه حمل شود و قطعاً نمی‌توان آن را پنهان کرد. علایم مسمومیت با نیتروژن مشابه علایمی است که دانش‌آموزان مسموم گزارش کرده‌اند، سردرد و تهوع و سرگیجه را بسیاری از عوامل مسمومیت‌زا تولید می‌کنند، اما احساس فلج عضلانی از مشخصه‌های مسمومیت با نیتروژن است و شاید همین مساله باعث شده به‌رغم مساله حمل آن مقدار نیتروژن به مدارس، برخی تصور کنند که این ماده می‌تواند مسمومیت‌ها را توضیح دهد.

به هر حال، با وجود اظهار نظر متکی به نفس رییس کمیسیون آموزش در این مورد، خیلی زود نمایندگان دیگر مجلس و همین‌طور مقامات بهداشتی تصریح کردند که نیتروژن عامل مسمومیت دانش‌آموزان مدارس نیست.

### یک حدس وحشتناک، همان سم قدیمی برنج؟

در حالی که برخی گزارش‌های مسمومیت مدارس بدون اشاره به استشمام بوی خاصی ثبت شده است، برخی دیگر از گزارش‌ها به استشمام بویی شبیه بوی ماهی گندیده اشاره کرده است. طن شیمیایی بودن عامل مسمومیت دانش‌آموزان باعث شده است که برخی از احتمال استفاده از «آلومینیوم فسفید» در مسمومیت دانش‌آموزان صحبت کنند. آلومینیوم فسفید همان ترکیب شیمیایی است که به عنوان قرص برنج هم شناخته می‌شود. گرچه تصویر کلی از این ماده، جامدی شبیه قرص است، آلومینیوم فسفید را می‌توان به صورت پودری در بسته‌بندی‌هایی

استوانه‌ای هم خریداری کرد. خرید و فروش غیر صنعتی آلومینیوم فسفید در ایران ممنوع است، اما این به آن معنی نیست که نمی‌توان این ماده را در بازار پیدا کرد. آلومینیوم فسفید به شدت سمی است. یکی از دلایلی که باعث می‌شود به دست داشتن این ماده در مسمومیت دانش‌آموزان بدین باشیم، تاثیر بسیار سریع و بسیار مهلك آن است. اما همزمان باید در نظر داشت که آلومینیوم فسفید را می‌توان به صورت پودری روی زمین ریخت، این ماده به مرور در ترکیب با هوا به گازی سمی بدل می‌شود که عوارضی مانند سرگیجه، تهوع و احساس بی‌حسی در دست و پا ایجاد می‌کند.

بردن آلومینیوم فسفید به مدارس کار سختی نیست، حداقل آسان‌تر از بردن سیلندر نیتروژن یا پرتاب گاز به مدرسه با پرنده‌های قابل کنترل است. با این حال، با در نظر گرفتن اینکه این ماده شدیداً سمی است و تنفس مقدار مشخصی از آن می‌تواند باعث مرگ شود، اگر کسی چنین ریسکی کرده باشد و چنین ماده‌ای را به مدرسه‌ای برده باشد، احتمالاً با یک عملیات تروریستی واقعی طرف هستیم. علاوه بر این، رد آلومینیوم فسفید را می‌توان روی زمین، اشیای مدرسه و در آزمایش‌های بالینی کسانی که با این ماده مسموم شده‌اند مشاهده کرد. هنوز گزارشی در مورد دیده شدن فسفین، ماده‌ای که در نتیجه ترکیب آلومینیوم فسفید با هوا تولید می‌شود و یکی از انواع گازهای شیمیایی است که به عنوان سلاح استفاده شده است، در آزمایشات دانش‌آموزان یا مدارس که گزارش مسمومیت داده‌اند منتشر نشده است.

### کامیون سرگردان از دانش‌آموزان انتقام می‌گیرد؟

یکی از ایده‌هایی که به خصوص صدا و سیما به آن علاقه جدی دارد، نقش یک کامیون سرگردان در مسمومیت دانش‌آموزان مدارس است. اسفندماه و همزمان با بالا گرفتن گزارش‌های مسمومیت، صدا و سیما در گزارشی مدعی شد که یک کامیون حاوی «نفتا» در چند شهر مختلف از جمله پردیس، قم و بروجرد روبه‌روی مدارس که گزارش مسمومیت داده‌اند دیده شده است. کامیون توقیف شد و بعداً گفتند نگهبان پارکینگ که کامیون به آنجا هدایت شده هم دچار علائم مسمومیت شده است. با این وجود فرضیه دست داشتن نفتا، کامیون و راننده آن در مسمومیت دانش‌آموزان با سوالات جدی روبه‌رو است.

نفتا به گروهی از سوخت‌های مایع هیدروکربنی با فراریت و اشتعال‌پذیری بسیار بالا گفته می‌شود که بخار آن می‌تواند علائم مسمومیت هم ایجاد کند. مسمومیت با نفتا، علائمی مانند سرگیجه، تهوع و سردرد ایجاد می‌کند، اما برای قبول کردن نقش نفتا در مسمومیت دانش‌آموزان باید گزارش‌هایی از استشمام بویی شبیه بوی

بنزین که بوی غالب نفتا است وجود داشته باشد. چنین گزارش‌هایی وجود ندارد. علاوه بر این، برای مسموم شدن با نفتا، مشابه مسموم شدن با نیتروژن به مقدار بسیار زیادی بخار نفتا نیاز است. حجم بخاری که بتواند علایم مسمومیت در دانش‌آموزان ایجاد کند، قطعاً پیش از ایجاد مسمومیت تنفسی با یک جرعه کوچک به آتش‌سوزی منجر می‌شود. در گزارش‌های صدا و سیما ادعا شده است که کامیون نفتا بیرون چند مدرسه که گزارش مسمومیت داده‌اند قرار داشته است، گزارش‌های مسمومیت همه از داخل کلاس‌ها منتشر شده است و توضیحی وجود ندارد که چرا در فاصله بین خیابان تا کلاس‌های درس، کسی بر اثر قرار گرفتن در مسیر بخارات نفتا دچار علایم مسمومیت نشده است. همین طور توضیحی وجود ندارد که بخار نفتا چطور از فضای باز گذشته، به فضای بسته کلاس‌ها رسیده، در این فضا غلیظ شده و مسمومیت ایجاد کرده است.

### **اسپری فلفلی که در کف یک دست جا می‌شود، متهم مسموم کردن چهل و چند دانش‌آموز است؟**

در برخی از گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان، به گاز فلفل اشاره شده است. مقامات در اصفهان و قزوین ادعا کردند که علت مسمومیت دانش‌آموزان اقلاً در دو مدرسه، انتشار گاز فلفل در هوا بوده است. خبرگزاری فارس هم در گزارشی بر اساس مصاحبه با یک دانش‌آموز ادعا کرده است که دانش‌آموزان در یک گروه تلگرامی آموزش دیده بودند تا با انتشار گاز فلفل و الکل در مدرسه دیگران را تحریک کنند. در یک نمونه ادعا شده است که چهل دانش‌آموز یک مدرسه در اثر قرار گرفتن در معرض اسپری فلفل دچار علایم مسمومیت شده‌اند. اسپری فلفل به عنوان سلاح دفاع شخصی غیر کشنده شناخته شده است. خرید آن در شهرهای بزرگ غیر ممکن نیست، اما این افشانه، علایمی مانند بی‌حسی اعضای بدن ایجاد نمی‌کند. عوارض قرار گرفتن در معرض اسپری فلفل؛ التهاب و سوزش در چشم، دهان و بینی، حلق و ریه است و معمولاً در مدت زمانی بین سی تا نود دقیقه از بین می‌رود، در کمتر مواردی ممکن است احساس سوزش و ناراحتی تا یک روز بعد هم وجود داشته باشد؛ اما تهوع و استفراغ در نتیجه قرار گرفتن در معرض اسپری فلفل بسیار نادر است. اسپری فلفل برای تاثیرگذاری، باید مستقیماً به سمت چشم و صورت فردی که هدف قرار گرفته، پاشیده شود. برای مسموم کردن چهل دانش‌آموز با اسپری فلفل به تعداد زیادی اسپری نیاز است و نمی‌توان با اسپری این تعداد از دانش‌آموز را مسموم کرد، باید از کسانی که ادعا کردند دانش‌آموزان به دلیل انتشار اسپری فلفل مسموم شده‌اند پرسید این اتفاق دقیقاً چطور می‌توانسته

رخ دهد؟

با وجود اینکه در يك مدرسه، يك دانش‌آموز به دليل بردن اسپري فلفل بازداشت شده و طبق گفته مقامات به داشتن اسپري و استفاده از آن هم اعتراف کرده است، اسپري فلفل نمي‌تواند عامل اصلي مسموميت دانش‌آموزان باشد.

**عده‌اي هم اصرار دارند اين يك جنگ شيميايي است**

يکي از کلیدواژه‌هايي که با تناوب قابل ملاحظه در مورد گزارش‌هاي مسموميت دانش‌آموزان به کار گرفته شده است، «حمله شيميايي» است. ادعای تروريستي بودن مسموميت‌هاي دانش‌آموزان مدرسه‌اي اولين بار توسط نماينده‌هاي قم در مجلس مطرح شده است، اما خيلي زود به يك ضد حمله عليه حکومت تبديل شده و بسياري تقصير اصلي در اين مورد را به گردن حکومت، دستگاه‌هاي اطلاعاتي و گروه‌هاي تندروي مذهبي انداخته‌اند. همزمان گروه ديگري هم بوده و هستند که گروه‌هاي تروريستي مانند منافقين را در اين زمينه مسوول مي‌دانند و معتقد هستند که يك شبکه به هم پيوسته از عناصر عملياتي، در مسموم کردن دانش‌آموزان دست داشته و دارد. چه کسانی که تقصير مسموميت را به گردن نيروهاي هوادار حکومت يا گروه‌هاي تندرو مذهبي مي‌اندازند و چه کسانی که گروه‌هايي مانند منافقين را در اين زمينه مسوول مي‌دانند، شاهدي بر ادعای خودشان ارايه نمي‌کنند.

پراکندگي مدارس و طيف مختلف علايمي که در دانش‌آموزان مسموم، دیده يا گزارش شده است، فکر کردن به يك دليل واحد براي بروز مسموميت در مدارس را دشوار مي‌کند. اما به هر حال، جامعه روزنامه‌نگاري ايران، نيروي اطلاعاتي نيست که بتواند تروريستي بودن موضوع مسموميت دانش‌آموزان را تايد کند.

کسانی که مدعی هستند گزارش‌هاي مسموميت در مدارس، ناشي از «حمله شيميايي» است، به نمونه‌هاي استفاده از بشکه‌هاي حاوي مواد شيميايي در جنگ سوریه اشاره و ادعا مي‌کنند که بعيد نيست اين ترفند در ايران هم مورد استفاده قرار گرفته باشد. تنها سوالي که در برابر اين گروه قرار دارد اين است که مواد شيميايي که حمله‌هاي مورد ادعا با آن انجام شده، چيست و آیا مي‌توان تصور کرد که سازماني، با چنين گستردگي در کشور داراي نيروي عملياتي باشد و بتواند بيش از هزار دانش‌آموز را مسموم کند اما هيچ ردي از خودش به جا نگذاشته باشد؟

کسانی که براي توجيه اين ادعا به نمونه‌هايي مانند قتل‌هاي محفلي کرمان، اسيدپاشي اصفهان و شليک با تفنگ‌هاي ساچمه‌اي به زنان در اصفهان اشاره مي‌کنند، توضيح نمي‌دهند که چرا تمام نمونه‌هاي پيشين



در مدت زمان بسیار کوتاهی متوقف شده است، اما مسمومیت دانش‌آموزان بیش از چهار ماه ادامه پیدا کرده است و به‌رغم دستور صریح و علنی مقامات، هیچ نهاد اطلاعاتی برای جلوگیری از آن دخالت نکرده است.

### **اشتباه و سوء تفاهم و هیستری جمعی هم مطرح است!**

یکی از محبوب‌ترین تئوری‌های تحلیل آنچه در ماه‌های گذشته در مدارس رخ داده است، تئوری «هیستری جمعی» است. با توجه به اعتماد از دست رفته مردم به صداوسیما، عموم مردم مایل هستند کسانی که از این تحلیل برای تشریح آنچه در مدارس رخ می‌دهد استفاده می‌کنند را متهم به ماله‌کشی و لاپوشانی کنند. با این حال، هیستری جمعی، از ایده انتشار نفتا، گاز فلفل، یا ظهور یک زن مرموز در مدرسه و مسموم کردن منبع آب آن، غیرمنطقی‌تر نیست. کسانی که تلاش می‌کنند آنچه در مدارس رخ می‌دهد را با هیستری جمعی توضیح دهند، به نمونه‌های تاریخی مشابه مسمومیت‌های گسترده در مدارس اشاره می‌کنند. شاید جای تعجب باشد، اما حتی مسمومیت گسترده دانش‌آموزان عموماً دختر هم نمونه‌های تاریخی دیگری قبل از نمونه ایران دارد. تنها در دوران معاصر خودمان، مثلاً حدود چهل سال پیش در 1983، در کرانه باختری رود اردن، برای دو ماه مدارس دخترانه درگیر گزارش‌های مسمومیت بودند. بیش از 900 نفر که عموم آنها دانش‌آموزان فلسطینی و برخی از آنها افسران زن ارتش رژیم اشغالگر قدس بودند، با علایمی از جمله سرگیجه و تهوع به بیمارستان می‌رفتند. رژیم اشغالگر قدس در این مورد چندین نفر فلسطینی را بازداشت کرد و برای ماه‌ها، رژیم اشغالگر قدس و فلسطینی‌ها مشغول متهم کردن یکدیگر به اجرای عملیات تروریستی در مدارس برای بدنام کردن و انتقام‌جویی از یکدیگر بودند. رهبران فلسطینی، شهرک‌نشین‌های صهیونیست را متهم می‌کردند که با استفاده از سلاح‌های شیمیایی به مدارس دخترانه فلسطینی حمله می‌کنند. در مقابل صهیونیست‌های تندرو، فلسطینی‌های رادیکال را متهم می‌کردند که قصد دارند با تحمیل هزینه به خودی، این رژیم را بدنام کنند. با وجود شناسایی برخی مواد تحریک‌کننده در برخی از مدارسی که گزارش مسمومیت داده بودند، مقامات رژیم اشغالگر قدس اصرار داشتند که آنچه در مدارس کرانه باختری رخ داده است، هیستری جمعی بوده است. آنها ادعا می‌کردند که تنها 20 درصد گزارش‌ها، گزارش واقعی مسمومیت است و 80 درصد دیگر گزارش‌های ناشی از اضطراب عمومی است. «آلبرت حفظ»، روانپزشک رژیم اشغالگر قدس که مسوول بررسی این موضوع بود، در گزارشی اعلام کرد که رسانه‌های رژیم اشغالگر قدس و مقامات بهداشتی فلسطینی در تحریک عموم و ایجاد یک هیستری جمعی در کرانه باختری نقش داشته‌اند. تحقیقات سازمان ملل، صلیب سرخ جهانی

و سازمان بهداشت جهانی بعداً فرضیه هیستری جمعی را در مورد گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان دختر در کرانه غربی رود اردن تایید کرد، هر چند تحقیقات صلیب سرخ جهانی و سازمان بهداشت جهانی، از گزارش‌البرت حفظ متاثر بودند.

در 1990، در کزوو، نمونه مشابهی از گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان ثبت شده است، در این مورد احتمال مسمومیت بر اثر تشعشعات اتمی هم وجود داشت، اما طی سی سال گذشته تحقیقات متعددی از طرف آلبانی و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، نتیجه مورد توافقی در مورد این گزارش‌های مسمومیت منتشر نشده است.

نمونه معاصر دیگری که از مسمومیت دانش‌آموزان دختر وجود دارد، مربوط به افغانستان است. سال 98 در کابل و برخی دیگر از شهرهای افغانستان گزارش‌هایی از مسمومیت دانش‌آموزان دختر و انتقال آنها به بیمارستان منتشر شد. این گزارش‌ها همزمان با انتشار شبنامه‌های تهدیدآمیز در مورد تحصیل دختران در مدارس رخ داد و باعث شد طالبان به عنوان محتمل‌ترین عامل این حوادث شناخته شود. با اینکه پزشکان در بیمارستان‌های مختلف از جمله بیمارستان‌های کابل می‌گفتند که نمی‌توانند بدون آزمایش‌های دقیق دلیل مسمومیت را روشن کنند و حدس می‌زدند که برخی از گزارش‌های مسمومیت، ناشی از اضطراب عمومی بوده باشد، هرچند اغلب آنها فرضیه هیستری جمعی در این مورد را رد می‌کردند، با این حال، تحقیقات بعدی سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی در مورد گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان دختر در افغانستان نتوانست دلیل قانع‌کننده‌ای برای واکنش‌های تنفسی، احساس سرگیجه و سردرد و حالت تهوع دانش‌آموزان دختر پیدا کند و در نهایت به تکرار احتمال بروز هیستری جمعی ختم شد.

بیماری روانی جمعی، بیماری اجتماعی جمعی، هیستری جمعی و هیستری همه‌گیر، همه نام‌هایی است که برای پدیده سرایت احساس بیماری در اجتماعات استفاده شده است. اولین نمونه‌های ثبت‌شده هیستری جمعی مربوط به قرون وسطا است، اما گزارش‌هایی از بیماری عمومی که دلیل طبیعی برای آن پیدا نشده یا مورد توافق قرار نگرفته است، از همان زمان تا امروز، هم در جوامع توسعه‌یافته هم در جوامع غیر توسعه‌یافته، هم در جوامع تحت جنگ و خشونت و هم در جوامع درگیر شورش‌های عمومی و هم در وضعیت‌های صلح کامل ثبت شده است.

در هیستری جمعی، شایعه، یا تاثیر رسانه‌ها معمولاً چشم‌گیر است و مهم‌ترین تقصیرات را هم به گردن رسانه‌ها و ایجاد جو روانی می‌اندازند. با این حال این تفسیر در مورد اغلب گزارش‌های مسمومیت عمومی مورد توافق قرار نگرفته و از سطح يك تفسیر مورد شك پیش‌تر نیامده است.

در ایران، در واکنش به انتشار گسترده گمانه‌زنی‌ها در مورد هیستری جمعی و نقش آن در گزارش مسمومیت‌های دانش‌آموزان، انجمن علمی روانپزشکان ایران در بیست و هشتم اسفندماه در بیانیه‌ای تاکید کرد که «به‌کارگیری عناوینی مانند هیستری جمعی از سوی افراد غیر متخصص نباید مرجع یا منبع مسوولان کشور در اطلاع‌رسانی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری واقع شود... دوگانه‌ای به عنوان «مسمومیت یا هیستری» وجود ندارد و در هر صورت، آسیب‌های سلامت روان و اعتماد عمومی مردم مساله مهم کشور است. ... کوچک شمردن ترس دانش‌آموزان، بر زبان آوردن واژه‌های روان‌شناختی به عنوان برجسب یا انگ بر افراد صدمه دیده و رایه شرحی کنایه‌آمیز از وحشت دانش‌آموزان، شدت جرح احساسات آنها، خانواده‌ها و مردم را دو چندان می‌کند.» همان‌طور که روشن است در این بیانیه، احتمال بروز هیستری جمعی تایید یا رد نشده و تنها از مسوولان خواسته شده است که به آشفتگی در اظهارنظر در مورد مساله گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان پایان دهند.

فراغ از اینکه چه گمانه‌زنی‌هایی در مورد گزارش‌های دنباله‌دار مسمومیت دانش‌آموزان مطرح شده یا مطرح خواهد شد، گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان، به‌رغم چند هفته تعطیلی مدارس، به‌رغم دستورالعمل‌های محدودکننده رسانه‌ها برای انتشار گزارش‌های مسمومیت و به‌رغم مصاحبه‌های مکرر مسوولان و غیرمسوولان در مورد پرونده مسمومیت دانش‌آموزان همچنان ادامه دارد.

نیروی انتظامی و دستگاه‌های اطلاعاتی هر کدام در بیانیه‌ها و مصاحبه‌های جداگانه‌ای از بازداشت بیش از صد نفر در رابطه با پرونده مسمومیت‌های دانش‌آموزان در سراسر کشور صحبت کرده‌اند. کمیته‌های متعددی در استان‌داری‌ها، فرمانداری‌ها، وزارتخانه‌ها، نهادهای اطلاعاتی، دولت و مجلس تشکیل شده است. دستورهای جدی و فوری از سوی مقامات قضایی به یکدیگر صادر شده است، صدا و سیما و رسانه‌های زنجیره‌ای آنها، ده‌ها سناریوی مختلف در مورد دست داشتن کانال‌های تلگرامی، شبکه‌های مجازی، افراد سیاسی، معترضان اجتماعی و تندروهای مذهبی در مسمومیت دانش‌آموزان منتشر کرده‌اند، در حالی که همزمان قریب به اتفاق این گزارش‌ها را ساخته و پرداخته شیطنت دانش‌آموزان، معاندان، رسانه‌های بیگانه، تلگرام و فضای مجازی دانسته‌اند.

هر چیزی که در پرونده گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان واقعی نباشد، دو چیز قطعاً واقعی است؛ اول ترس عمومی از مسمومیت که خانواده، دانش‌آموزان و اولیای مدارس را درگیر خود کرده است و دیگری بازداشت بیش از صد نفر از جمله چند روزنامه‌نگار و فعال فضای مجازی در مورد گزارش‌های مسمومیت.

ممکن است همانطور که در گزارش دیگر مسمومیت‌های عمومی رخ داده است، بعد از مدتی این موج مسمومیت‌ها هم به فراموشی سپرده شود، اما هر اتفاقی که بیفتد، نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد که با همه ضد و نقیض‌گویی‌هایی که رخ داده است، با همه تایید و تکذیب‌هایی که انجام شده و با همه سابقه تاریخی که از ارتباطات عمودی مسوولان و مردم وجود دارد، تقریباً هیچ‌کدام از مراجعی که تاکنون در مورد ماجرای گزارش‌های مسمومیت دانش‌آموزان اظهار نظر کرده‌اند، نمی‌توانند در این مورد گزارشی مورد قبول عموم جامعه منتشر کنند.

### **آیا وقت دخالت دانشگاه‌ها نرسیده است؟**

آنچه در مدارس و سپهر عمومی جامعه در حال وقوع است، ماجرای با یک ریشه مشخص نیست. حتماً می‌توان چنین تصور کرد که گزارش‌های متعدد مسمومیت دانش‌آموزان می‌تواند ناشی از چندین جریان مختلف باشد؛ مساله‌ها پزشکی، روانشناسی، جامعه‌شناسانه، ارتباطی و امنیتی است. همانطور که در تجربه‌های دیگر گزارش‌های مسمومیت در سراسر دنیا دیده شده است، پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاهی احتمالاً تنها مسیر قابل تصور برای دستیابی به حقیقتی مورد توافق هستند. به نظر می‌رسد در این آشفته‌بازار اطلاع‌رسانی، دانشگاه از معدود نهادهایی باشد که هنوز مشروعیت و مرجعیتی برای گفت‌وگو با مردم دارد و حالا احتمالاً وقت خوبی برای طرح‌ریزی یک پژوهش جدی میان‌رشته‌ای در مورد آنچه چهار ماه است کشور را درگیر خود کرده، است.

## **عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس در گفت‌وگو با «اعتماد» :**

## **در موضوع مسمومیت دانش‌آموزان به نتیجه مشخصی نرسیده‌ایم**

**معاون وزیر کشور: چند موردی که پیش آمد، تمارض و شیطنت برخی از دانش‌آموزان بود**

محمدحسن نجمی

ماجرای مسمومیت دانش‌آموزان همچنان ادامه دارد و دستگاه‌های مرتبط

هم مشغول کار هستند. اما در حالی که عوامل مسمومیت دانش‌آموزان در حال ادامه کارشان هستند، این دستگاه‌ها هنوز به نتیجه مشخصی دست پیدا نکرده‌اند. 11 اسفند ماه گذشته و پس از گذشت 3-4 ماه از آغاز فعالیت مسموم‌کنندگان، وقتی اعتراضات افکار عمومی در شبکه‌های اجتماعی بالا گرفت، سرانجام دولت و مجلس دست به اقداماتی زدند. رییس مجلس به روسای 4 کمیسیون آموزش، امنیت ملی، شوراها و بهداشت دستور داد تا با تشکیل کمیته‌ای پیگیر این موضوع باشند. از همین رو کمیته حقیقت‌یابی در مجلس تشکیل شده و علاوه بر جلسی‌ها، نمایندگان از وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور، بهداشت، آموزش و پرورش و سازمان اطلاعات سپاه و اطلاعات نیروی انتظامی در آن حضور دارند. به گفته محمدحسن آصفی نماینده مجلس، تشکیل جلسات این کمیته، زمان‌بندی خاصی ندارد. این عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس درباره دستاوردهای این جمع و جلسات برگزار شده آن به «اعتماد» گفت که «این کمیته باعث شده تا وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و همچنین دانشگاه‌ها حساس‌تر شوند و دقت بیشتری داشته باشند». او همچنین تاکید کرد که «این کمیته باعث شده تا دستگاه‌های امنیتی پیگیر باشند و بیایند و پاسخ دهند». او همچنین تاکید کرد که دستگاه‌های امنیتی تلاش بیشتری داشته باشند تا عوامل اصلی مسمومیت دانش‌آموزان را بیابند و دستگیرشان کنند». او در همین زمینه به «ایسنا» گفته که «هنوز دستگاه‌های امنیتی نتوانسته‌اند سرنخ‌های اصلی مسمومیت‌ها را به دست آورند.»

#### عوامل داخلی نشات‌گرفته از خارج

این نماینده مجلس در ادامه گفت‌وگو با «اعتماد» درباره زمان جمع‌بندی و رایه گزارش هم گفت که «هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده‌ایم و بابت همین نمی‌توان گزارشی رایه کرد». آصفی در پاسخ به این سوال که عوامل این اقدامات به دنبال چه نتیجه‌ای هستند، گفت که «جریان‌اتی به دنبال ناکارآمد نشان دادن نظام هستند و همچنین می‌خواهند نارضایتی و اعتراض مردم را بالا ببرند». به گفته این نماینده مجلس، «اگر این موضوع مدیریت نشود، ممکن است در جاهای دیگر نیز شاهد این اقدامات باشیم». او در جواب پرسشی مبنی بر اینکه «آیا مسمومیت دانش‌آموزان را ناشی از عوامل داخلی می‌داند یا خارجی»، گفت که «عوامل داخلی‌اند که نشات‌گرفته از خارج هستند». او اضافه کرد که «بخشی از این مسمومیت‌ها ناشی از شیطنت دانش‌آموزان است که به این موضوع دامن می‌زنند، اما این بخش نباید باعث شود تا عوامل اصلی نادیده گرفته شوند». او درباره افرادی که پیش از سال نو گفته شد که دستگیر شده‌اند نیز گفت که «چند نفر از آنها سابقه

حضور در اغتشاشات اخیر را داشته‌اند». آصفی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا کسانی که اعترافاتشان در فضای مجازی منتشر شده، ارتباطی با عوامل اصلی داشته‌اند» نیز، ارتباط آنها با عوامل اصلی را «رد» کرد.

### **معاون وزیر کشور: تمارض و شیطنت دانش‌آموزان بود!**

اما در حالی که این عضو کمیته حقیقت‌یاب معتقد است شیطنت دانش‌آموزان نباید باعث نادیده گرفته شدن عوامل اصلی باشد، معاون امنیتی- انتظامی وزیر کشور گفته «چند موردی که پیش آمد که بسیار محدود بود، تمارض و شیطنت برخی از دانش‌آموزان برای تعطیلی کلاسها بود.»

مجید میراحمدی در گفت‌وگو با مهر درباره مسمومیت‌های اخیر اضافه کرده «در بیانیه‌های وزارت کشور در خصوص اتفاقات اخیر در برخی از مدارس تمامی مطالب توضیح داده شده است و با شروع سال تحصیلی، در حال حاضر تمامی مدارس فعال و همه دانش‌آموزان مشغول به تحصیل هستند.» معاون امنیتی- انتظامی وزیر کشور افزود: «چند موردی که در سال جدید پیش آمد که بسیار محدود بود، تمارض و شیطنت برخی از دانش‌آموزان برای تعطیلی کلاسها و مدارس بوده است؛ البته اعلام شد که حتما برخوردهای انضباطی جدی با این افراد صورت گیرد و در موارد دیگر نیز در صورت لزوم به دستگاه قضایی معرفی شوند.» به گفته این مقام امنیتی «یکی، دو مورد نیز استفاده از گاز فلفل توسط دانش‌آموزان بوده است که شناسایی شدند و قطعا با آنها برخورد خواهد شد.» میراحمدی اضافه کرده که «در حال حاضر فعالیت‌های آموزشی به‌طور کامل و در یک شرایط آرام در حال انجام است و برنامه‌ای برای تعطیلی مدارس وجود ندارد.» این در حالی است که با آغاز سال جدید و از سر گرفته شدن فعالیت مجموعه‌های آموزشی، باز هم برخی مدارس شاهد مسمومیت دانش‌آموزان بودند. آصفی اواخر سال گذشته اعلام کرده بود که «۲۵ استان کشور شامل تقریبا ۲۳۰ مدرسه میشود که به دنبال آن بیش از ۵۰۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر مسموم شده‌اند. از این آمار بیشترین مسمومیت مربوط به دختران و کمترین مربوط به پسران بوده است.»

### **ادامه مسمومیت سریالی پس از عید**

19 فروردین‌ماه، خبرگزاری «ایسنا» به نقل از «حبیب‌حی‌بر» معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز نوشت که «امروز گزارش‌هایی از مسمومیت دانش‌آموزان در دو مدرسه دخترانه در شهرستان‌های اهواز و هفتکل داشتیم.» در همان روز، «ایلنا» هم به

نقل از شاهدان عینی نوشت که «دانش‌آموزان دختر مدرسه ابتدایی هیات امنایی سعدی ارومیه مسموم شدند.» به نوشته این خبرگزاری، شاهدان حاضر در محل گفتند: «بر اثر انتشار گاز در این مدرسه تعدادی از دانش‌آموزان مسموم شدند که با حضور نیروهای انتظامی و فوریت‌های پزشکی در مدرسه حادثه در حال بررسی و پیگیری است. از تعداد دانش‌آموزان مسموم شده اطلاعی در دست نیست ولی بنا به گفته شاهدان، تعدادی از دانش‌آموزان این مدرسه با آمبولانس به مراکز درمانی منتقل شدند.» گویا 19 فروردین روز شلوغی برای عوامل مسموم‌کننده دانش‌آموزان بوده؛ چرا که در همان روز هم «صدا و سیما» نوشت «تعدادی از دانش‌آموزان برخی مدارس دخترانه اردبیل با بدحالی راهی بیمارستان شدند.» به نوشته این خبرگزاری «مهری رییس فوریت‌های پزشکی در این باره گفته از ساعت حدود ۹ صبح امروز ۱۹ فروردین از ۵ مدرسه دخترانه اردبیل با اورژانس تماس گرفته شده تعدادی دانش‌آموز با علایم اضطراب، تنگی نفس و سردرد به بیمارستان‌های امام خمینی، امام رضا و فاطمی اردبیل منتقل شدند.» مدیر کل امنیتی و انتظامی استانداری اردبیل هم تایید کرد که «۱۷۵ دانش‌آموز در این حادثه دچار مسمومیت شده‌اند». با این وجود نسبت دادن این اتفاقات به «شیطنت» دانش‌آموزان، آن‌هم از سوی مقام امنیتی- انتظامی وزارت کشور، نمی‌تواند باعث شود تا صورت مساله این مسمومیت‌ها پاک شود. این اتفاقات از آذرماه سال گذشته و از مدارس دخترانه قم آغاز شد. اما تا چند ماه هیچ دستگاه و نهادی واکنشی به آن نداشتند تا اینکه اسفندماه سرانجام دولت و مجلس وارد عمل شدند؛ زمانی که دیگر دایره اقدامات عوامل مسمومیت دانش‌آموزان به قم محدود نبود و 25 استان کشور را درگیر کردند.

منبع: روزنامه اعتماد 22 فروردین 1402 خورشیدی